



امیرفیض-حقوقدان

مقصود از جرح، همان جرح شهادت و شهود است در امور قضائی که شهادت شاهد به اعتباراتی و بیشتر قانونی رد و از درجه اعتبار ساقط میگردد. بنا بر این سمت این تحریر متوجه:

از اعتبار ساقط شدن مواردی است که در انجام انتخابات مجلس دهم جمهوری اسلامی باید رعایت میشد و نشده است و مقصود از موارد، اصول قانونی مطرح در جمهوری اسلامی است.

### جرح تصمیمات شورای نگهبان

شورای نگهبان رامیتوان اساسی ترین رکن انتخابات مجلس اسلامی در جمهوری اسلامی دانست، از آنجا که شورای نگهبان یک نهاد قانونی جمهوری اسلامی است؛ پس یک شخصیت حقوقی قانونی است شخصیت حقوقی، منتزِع از فرد و افرادی است که شخصیت حقوقی مشتمل از آنهاست بنابراین برای اینکه تصمیمات شورای نگهبان قانونی شناخته شود وجود دورکن ضروری است:

رکن اول – شورائی بودن تصمیمات

رکن دوم – رعایت قانون در تصمیمات شورا

### شورائی بودن تصمیمات

همانطور که آگاهید شورا به معنای مشورت کردن در امور است و وقتی (ی) پسوند آن باشد میشود اسم مصدر که نشانگر یک شخصیت حقوقی است.

از مختصات شورا، مشورت است و مشورت یعنی نظروطریقی که به تصدیق و تائید اکثریت رسیده باشد. این را میگویند استقلال رای ولی اگر شورایی فاقد حق استقلال رای بود یعنی ملزم به تبعیت از نظر شخص ثالثی بود به آن گروه و تعداد افراد دیگر نمیتوان عنوان شورا داد زیرا آنها تابع رای کسی هستند که یا خارج از شورا است و یا در شورا اقتدار رای را به خود اختصاص داده است.

## جرح یکم - شورای نگهبان، شورانست

آیامیدانستید و میدانید که روش شورای نگهبان که اقتباس از فقه تشیع میباشد بر این پایه و اساس است؛ در صورتی که ولی مطلقه (سید علی) نسبت به موردی اظهار نظر کرده و یا بنماید شورای نگهبان خود را مقید به تبعیت از نظر مزبور میداند.

آیا میتوان تصور کرد که با اختیارات بسیار وسیعی که قانون اساسی جمهوری اسلامی محول ولی فقیه ساخته و با روش اتخاذی او که حضور و دخالت در همه موارد حتی مذاکرات هسته ای که نه امر فقهی است و نه در صلاحیت قانونی او و بنابراین شهادت مطلعین «رهبان سیرت‌پایان امور» نظارت تامه دارد در مسائلی که به شورای نگهبان ارجاع میشود بی نظر باشد، مثلا احراز صلاحیت و یا سلب صلاحیت کاندیدای انتخابات کاملا بیطرف باشد؟

فراموش نکنید که ۶ تن فقیه عضو های شورای نگهبان منتخب خود ولی فقیه است هستند یعنی رابطه اعتقادی و نظری هماهنگ نسبت به امور، بین رئیس و مرئوس وجود دارد که آن رابطه به انتخاب فقیه متحول شده است.

مختصر عرایض متضمن این نتیجه است که شورای نگهبان، متولی و نگهبان نظرولی فقیه است نه شورائی به معنای حقوقی با استقلال رای و رعایت نظر اکثریت.

## جرح دوم - تصمیمات شورا

### شهادت شاهد

شهادتی که از مستندات این تحریر و مربوط بجریان تصمیم گیری شورای نگهبان است بسیار نافذ و مستند و محکم است زیرا شاهدان خود یکی از مسئولین و دست اندرکاران شورای نگهبان بوده و علاوه بر آن یک شخص حقوقدان و یکی از ۶ حقوقدان شورای نگهبان میباشد.

اهمیت و اعتبار شاهد مزبور میتواند بیشتر از این جهت هم باشد که او منتخب مجلس است که مجلس او را از بین حقوقدانان مورد نظر دادگستری انتخاب کرده است.

این شاهد که اکنون به جرح صلاحیت و کیفیت تصمیمات شورا شهادت داده است؛ آقای نجات الله ابراهیمیان است که در سه شنبه ۱۱ اسفند یعنی بعد از پایان انتخابات باروزنامه اعتماد ابراز شهادت کرده است.

### مراتبی از شهادت شاهد

❖ مهلت ۲۰ روزه بررسی به شکایت های رد صلاحیت شدگان انتخابات کافی نیست و در ۲۰ روز شما نمیتوانید ۶۰۰۰ شکایت را بر اساس گزارشهای ناقص موجود رسیدگی کنید. این ۲۰ روز برای من نگرانی اخروی ایجاد کرده است.

## دستاورد از شهادت شاهد

اول که بسیار مهم است این است که برخلاف اظهارات خلاف واقع مقامات جمهوری اسلامی که نسبت به جریان انتخابات و احراز صلاحیت ها اعتراض چندانی نرسیده تنها نسبت به رد صلاحیت ها ۶۰۰۰ اعتراض رسیده است.

دوم - اظهارنگرانی شاهد که خود اوسخنگوی شورای نگهبان و حقوق دان شورابوده از مسئولیت اخروی نشانگر آن است که در تصمیمات شورای نگهبان اصول شرعی و رعایت عدل و انصاف هم رعایت نگردیده است و این امر یکی از اصول فقهی است که اقدامات شورا در مسیر عدم مشروعیت شرعی قرار میدهد.

❖ شاهد (سخنگوی شورای نگهبان) شیوه انجام نظارت استصوابی در شورای نگهبان را مورد انتقاد قرار داده و گفته است >در زمینه شیوه اطلاع رسانی شورای نگهبان و پاسخگویی به مردم و رسانه ها با دبیرشورای نگهبان (جنتی) اختلاف سلیقه دارد و بمناسبت همین اختلاف همزمان با اعلام نتایج بررسی صلاحیت کاندیدای انتخابات مجلس از سخنگویی شورا استعفا داده بود.

شاهد در نهایت روشنی شهادت میدهد که: >نحوه بررسی صلاحیت های کاندیدها در انتخابات اخیر نواقصی داشته است و این کار زیر نظر دبیرشورای نگهبان و معاونت اجرایی و انتخابات صورت می گرفته و همه اعضای شورای نگهبان در این امر دخالت نداشته اند.

## دستاورد از شهادت

شاهد مراتب و موارد مورد انتقاد را بیان نکرده و این قصور هم به اعتبار قانون نظارت شورای نگهبان است که آن شورا الزامی در بیان علت اظهار نظر ندارد ولی با وجود اینکه شاهد مراتب انتقاد خود را بیان نکرده ولی همین اشاره، جامه جرح را به اقدامات شورای نگهبان پوشانده است.

اعلام استعفای سخنگوی شورا نشانی از اهمیت انتقاد از جریان و شیوه عمل شورای نگهبان است که منجر به استعفای سخنگوی شورا شده است؛ چرا که معمولاً سخنگوی شورا نزدیک ترین و مطمئن ترین فرد به شورا است و یایک عضو عادی فرق دارد - (نمونه سخنگویی شورای تجزیه طلبان که بعد شدند رئیس همان شورا) - و این نشانی از شوری قضیه است که به دامنه جرح تصمیمات شورای نگهبان وسعت میدهد.

اشاره شاهد به اختلاف مابین خود او و جنتی دبیرشورا، نشان از یک خودسری مبرم جنتی در شورا دارد و الا شاهد طرف خود را شورای نگهبان معرفی میکرد نه دبیرشورا. تصور میشود که اگر امکان تحقیق از شاهد ممکن بود فاش شدن دامنه و کیفیت اختلاف با جنتی خیلی از مسائل را بیشتر روشن میکرد.

شاهد نحوه بررسی صلاحیت کاندید هارا ناقص میدانند و متهم آنرا دبیرشورا و معاون او میدانند و صریحا اعلام میکند که همه اعضای شورا در این امر دخالت نداشته اند.

نخستین برداشت و دست‌آورد از این قسمت اظهارات شاهد تائید بخش نخست این تحریر است که گفت شورای نگهبان در مسیر اقدامات مشترک و شورائی قرار نداشته و بصورت فردی و تبعیت از نظر ولی فقیه عمل می‌کرده؛ چراکه اظهارات شاهد براینکه همه اعضا در ایجاد آن نواقص مشارکتی نداشته اند نشانگر تبعی بودن تصمیم در شوراست.

دومین برداشت متوجه نواقص است که شاهد شهادت داده که در مورد رسیدگی به صلاحیت کاندیدا وجود داشته و عامل آن نواقص راهم معرفی میکند.

نقص، هنگامیکه سبب تفویض حقوق مردم شود، مسئولیت او راست که گاه مسئولیت حقوقی و یا کیفری است نقص نسبت به اموری که رعایت آن قانونی است قانون شکنی است.

نقص در واقع جواز و حکم رسیدگی است همانند اعلام جرم است که دادستان ملزم به دخالت و رسیدگی میشود.

اعلام نقص بسیار با اهمیت است چراکه حاصل رسیدگی ممکن است به قانون شکنی و تعدی به حقوق دیگران ختم شود.

نقص مورد اشاره شاهد، نقص در حق است و آن عبارتست از بین بردن کمال حق بوسیله ثالث. در تطبیق مورد که مسئله حق متوجه رسیدگی به صلاحیت است احراز آن دقیقاً از موارد جرح تصمیمات شورای نگهبان است.

درست است که نظریه شورای نگهبان قطعی و غیرقابل اعتراض است ولی این حکایت قانون اساسی جمهوری اسلامی متوجه مصونیت نظریه شورای نگهبان است و این به معنای مصونیت قضائی افراد شورای نگهبان از جرائمی که مرتکب میشوند نمیشود.

## نائب جرح

جرح، کلیدی است که راه ورود به حق را باز میکند که از طریق قانونی به حقی که ضایع شده رسیدگی و احقاق حق بشود.

حال در مورد شورای نگهبان که مرجع قانونی برای دادخواهی و یا تفتیش و اثر جرح نسبت به تصمیمات آن شورا وجود ندارد، جرح چه سودی دارد؟ اعتراض چه اثری دارد؟ دو جامعه در مقابل این سد قانونی چه راهی خواهد داشت؟

بحث سنگینی است که در یک جمله اشارت دار میتوان آنرا چنین توجیه کرد:

**وقتی کلیدی برای بازکردن دری که حق است و باید گشوده گردد در دست نیست، مطلوب و راه آشنا شکستن دراست.**

**توسل به دفاع مشروع حق مردم است، دفاع از حق آزادی، شکستن موانع رسیدن به حقوق طبیعی و انسانی و اینها مستلزم اقدامات همه جانبه و وسیع برای دفاع از حق است که قانون آنرا تحت عنوان دفاع**

مشروع محترم شناخته است و همانطور که (حق برتر است و چیزی برتر از آن نیست) استفاده از هر سلاح و اقدامی هم برای حفظ حق درجانی که قانون مدافع حق وجود ندارد، جایز و مطابق با فرهنگ انسانهاست.

**حاشیه** = عبارات در این تحریر، برمدار اظهار نظر حقوقی بکاررفته است و دلیل بر اعتقاد نویسنده به تبعات و مفاهیم آنها نمیباشد.

